

ویلیگان

ماهنامه محلی کرمانشاه اربعین ۱۴۰۳

هدیه سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه



نام حسین آمد، عالم یک صدا شد.
نام حسین آمد، اینجا کربلا شد.



به نام خدا

سلام به کودکانی که با دلی مملو از عشق حسین (ع)
به قدمگاه زائران حسین، کرمانشاه (دروازه کربلا)
آمده اند که با قدم خود عشقشان را به سرور و
سالار شهیدان به اثبات برسانند.
ما بر خود می‌بالیم که افتخار میزبانی و خدمت به
شما عزیزان نصیبمان شده است، امیدواریم که با
خواندن این نشریه آگاهی و بصیرت شما در موضوع
عاشورا کامل‌تر شود.

التماس دعا

نادر نوروزی شهردار کرمانشاه
و رئیس ستاد اربعین شهرداری کرمانشاه



سازمان فرهنگ، هنر و ورزش شهرداری کرمانشاه



شهرداری کرمانشاه

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: عبدالله مرادی بلشتی / مدیر اجرایی: فرنگیس صفری
سردبیر: پریسا وکیلی / مدیر هنری: فائزه مظفری / مدیر تحریریه: پیوند فرهادی
طرح جلد: طاهره سعیدی / لیتوگرافی: حافظ / چاپ آزادگان

ویلکان شماره ۳۹ / تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه / هدیه سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه
نشانی: کرمانشاه، خیابان مدرس، روبروی مسجد جامع، مجتمع ایران طبقه دوم واحد ۷۲
حق چاپ محفوظ است و برداشت از مطالب نشریه منوط به اجازه ی کتبی می باشد

۰۸۳-۳۷۲۹۲۴۲۹ | @Wilkan_m | ۰۹۱۹۹۱۷۷۱۱۳۴ | Wilkanmagazine@gmail.com



نذر کوچک

همراه بابایم
در کربلا هستم
یک کوله ی رنگی
خوابیده در دستم

اینجا پر از نخل است
خرما فراوان است
دوتا حرم با هم
در یک خیابان است

در کوله ام امروز
هم نان و هم خرماست
یک خورده از نان ها
سه هم کبوترهاست

نویسنده: مرضیه تاجری
تصویرگر: نارا علیپور



شربت نذری

حاج بابا به امیر حسین قول داده بود که روز قبل از اربعین او را به محله فیض آباد و تکیه عزاداری بچگی هایش ببرد.

امیر حسین که خیلی مشتاق و منتظر بود به سراغ حاج بابا رفت و گفت: «فردا اربعینه، پس کی میریم دیگه؟!» حاج بابا گفت: «نوه ی گلم امروز بعد از ظهر با هم میریم». برق خوشحالی در چشمان درشت و قهوه ای امیر حسین دیده می شد.

عصر که شد حاج بابا نوه اش را صدا زد و گفت: «بابا جان پاشو بیوش تا با هم بریم».

هر دوی آنها پیراهن های مشکی خودشان را پوشیدند. حاج بابا شانه ای پر موهای کم پشت و ریش همچون پنبه اش کشید؛ تسبیحش را برداشت و دست در دست نوه اش راهی فیض آباد شدند و بعد از گذشتن از چند کوچه پس کوچه به در تکیه بیگریگی رسیدند.

وارد حیاط که شدند تعدادی از جوان ها و مردها با لباس های مشکی مشغول چیدن صندلی و آماده کردن آنجا برای مراسم عزاداری اربعین بودند.

حاج بابا شروع به تعریف کرد: «پسر عزیزم، اینجا تکیه ی بیگریگیه و الانم محل دو تا موزه مهمه. حدود ۵۰ سال پیش مثل این جوانا با بچه های محل قرار داشتیم و تو ایام محرم و صفر می آمدیم اینجا و برای مراسم عزاداری امام حسین (ع) خدمت می کردیم».



پدربزرگ و نوه از حوض بزرگی که وسط حیاط بود گذشتند و وارد تالار آینه شدند.

حاج بابا دوباره ادامه داد: «آری دردت بجانم! این اتاق بزرگ با این همه آینه کاری رو که می بینی، حُسنیه بود و مردها برای آقام امام حسین (ع) اینجا روضه گوش می دادن و سینه می زدن و طبقه بالا هم زینبیه بود که خانم ها اونجا عزاداری می کردن».

یکدفعه مرواریدهای غلتان از چشمان سبز حاج بابا روی صورتش سرازیر شد و امیرحسین با تعجب پرسید: «چرا گریه می کنی حاج بابا؟! حاج بابا گفت: «چیزی نیست بابا جان یاد خاطرات قدیم افتادم» و دوباره ادامه داد: «یادش بخیر؛ روز اربعین که می شد تو آشپزخانه ی اینجا از صبح زود دیگ های غذا و شله زرد نذری رو اجاق بود. تو حیاطم بساط روضه خوانی، تعزیه و سینه زنی به راه بود و تو تابستان هم شربت نذری خنک به مردم می دادن».

امیرحسین که تمام مدت به حرفهای حاج بابا گوش می داد و محو تماشای تکیه بود ناگهان با صدای جوانی قدبلند به خودش آمد که می گفت: «بفرما» و با دو لیوان شربت نذری خنک جلویشان ایستاده بود.

نویسنده: کتابون سهرابی فر
تصویرگر: زهرا منتظری



جدول

سلام بچه های عزیز
جدول زیر رو کامل کنید

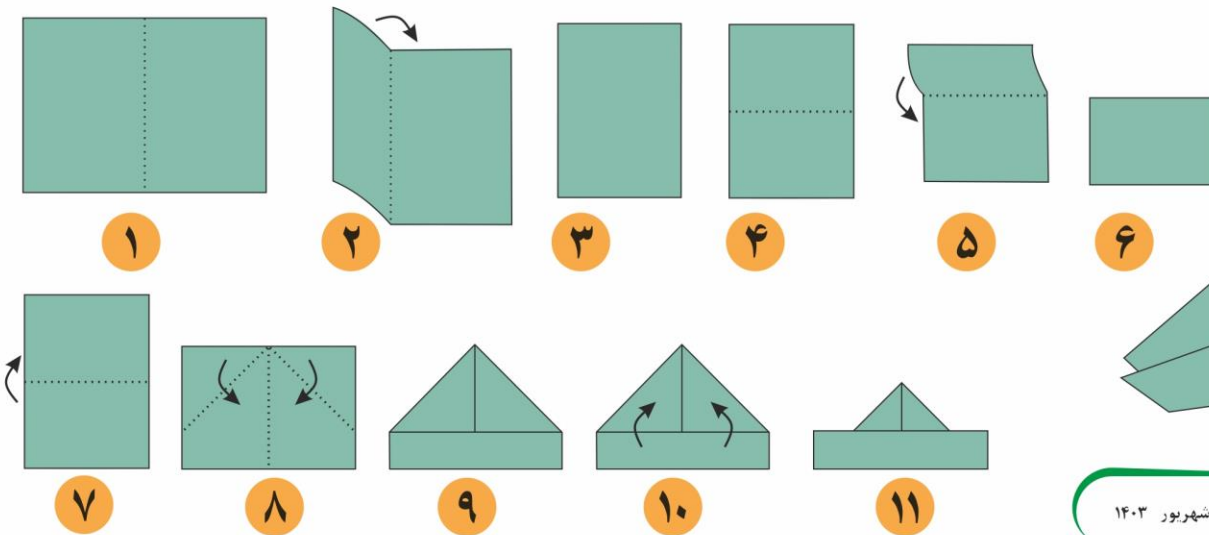
تله				قوم اصیل
شب نیست				قدرت بازو
گل سرخ				برداشت محصول
کمانگیر باستانی				خرید و فروش
لباس جنگی				بیهوده
سگ گزنده				محل عبور
قوم غرب کشورمان				فهم و شعور
جایز				امر آوردن
رنگ طلائی				همراه رفت
گل نرم ته نشین شده آب گل آلود				برگردن اسب بیابید
اشاره به نزدیک				پدربزرگ

جدول دو طرفه رمز دار

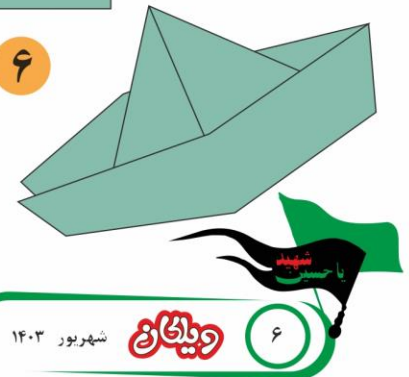
پس از حل جدول در خانه های رنگی
دو رمز بدست می آید...

- رمز اول.....
- رمز دوم.....

طراح جدول: رسول نادری



اورپیگامی



شهریور ۱۴۰۳

ویدئو

۶

تکیه معاون الملک

بنایی به جامانده از عهد قاجار است که در آن مراسم مذهبی، رفع اختلافات قومی و ... برگزار می شده است. کاشی کاری های این بنا که در مرکز شهر کرمانشاه بنا شده، بسیار زیبا و ویژه می باشد.

موضوع این کاشی کاری ها نبرد حضرت علی، حوادث کربلا، داستان های قرآنی و تصاویر سلاطین باستانی ایران و ... می باشد.

تصویر سیاه و سفید روبروی یکی از کاشی های این بنای مذهبی است. آن را رنگ آمیزی کن و به تماشای تکیه که رفتید آن را در بن کاشیهای این بنا پیدایش کن.

یاسین



دروازه کربلا

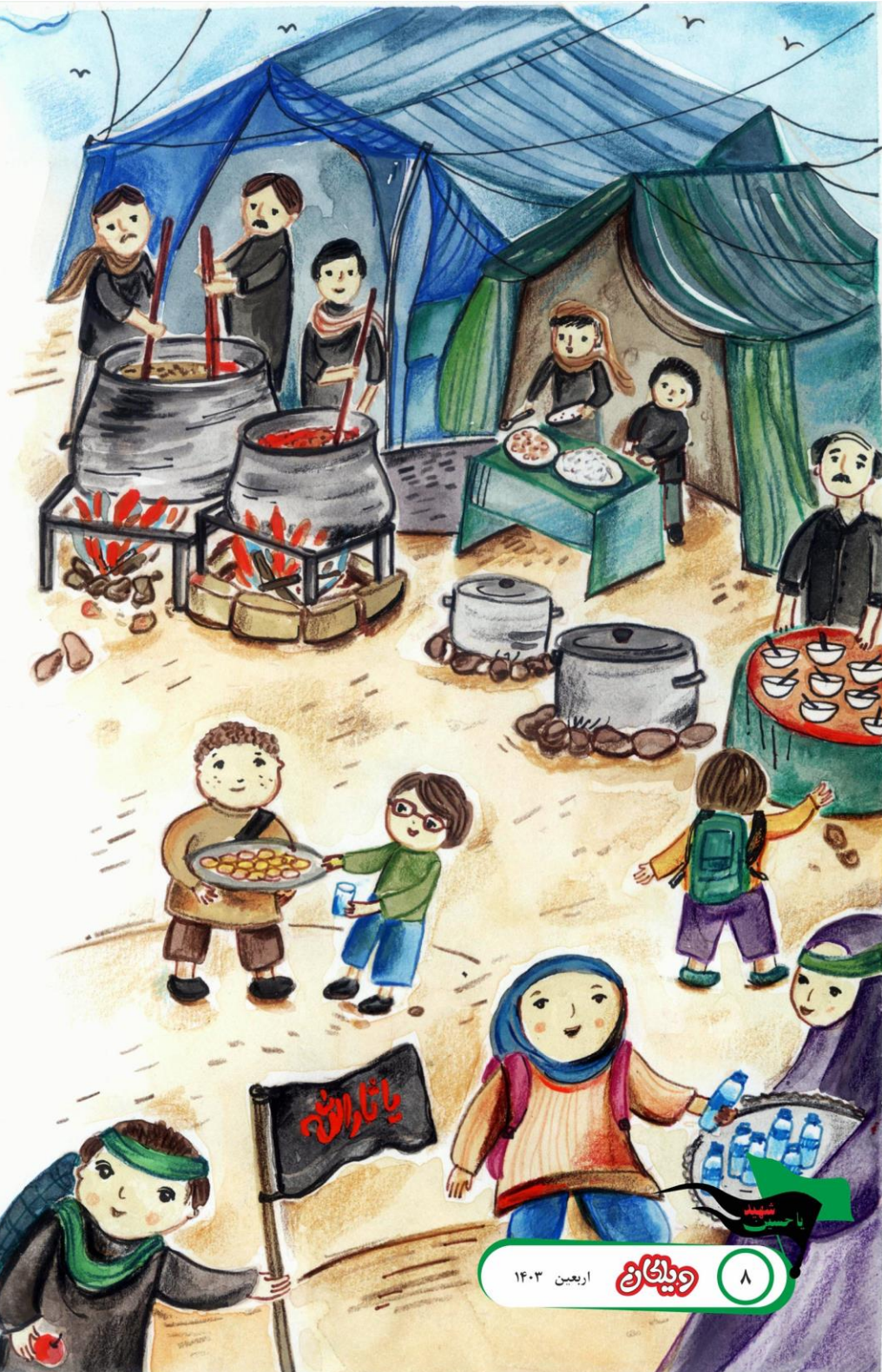
شهر کرمانشاهم
اربعینم زیباست
باز با نام حسین
سرزمینم زیباست

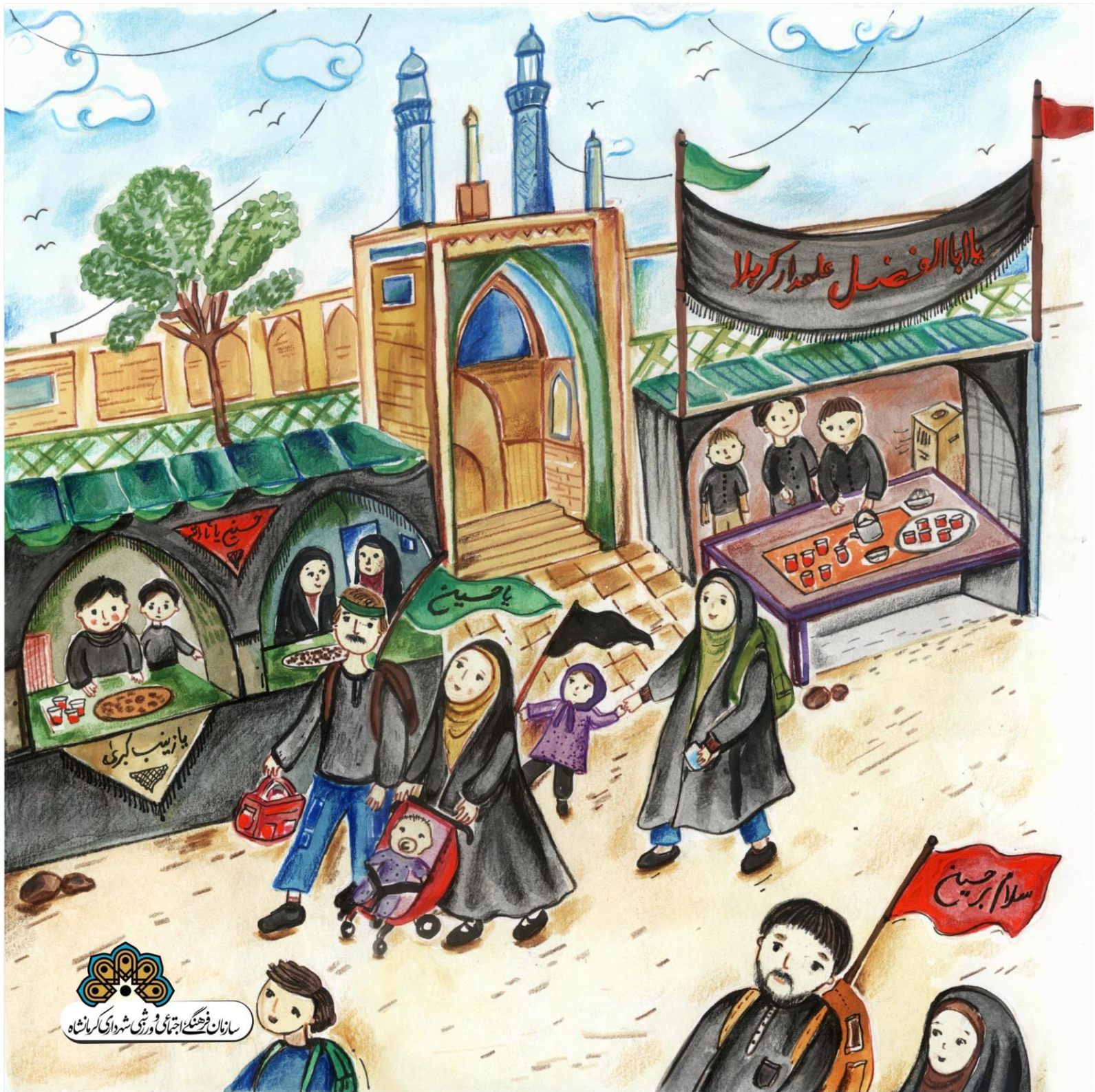
کوچه تا کوچه‌ی من
گرم و مهماندار است
خاک من تالاب مرز
خانه‌ی زوار است

باز هم در دل من
نوحه و شور و عزا است
توی هر موکب من
دیگ نذری بر پاست

قدمت بر چشمم
زائر پاک حرم!
کاشکی از تن تو
خستگی را ببرم

شاعر: پیوند فرهادی
تصویرگر: زهرا منتظری





سازمان فرهنگ، ایتامی و ورزشی شهرداری کربلا

تیان و چمچک

ملیم

کرمانشاه؛ شهر فلاق موراکی یونسکو

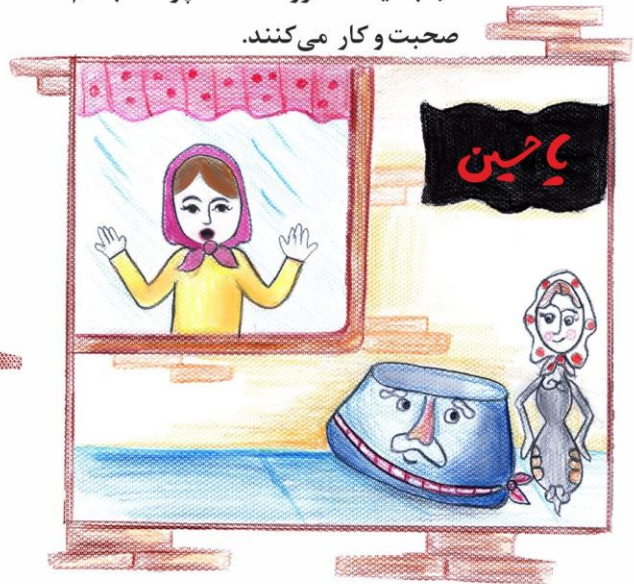
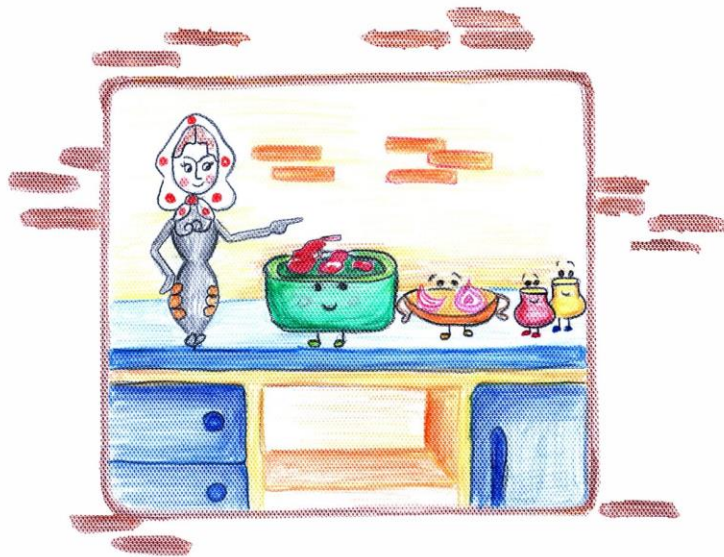
چمچک رو به تیان کرد و گفت: برو روی اجاق تا گندم‌های پوست کنده‌ای را که از صبح خیس خوردن بپزیم. کفگیر تو هم بیا کمک کن که کف‌های روی آب را جمع کنیم.

سارا همچنان با تعجب صورتش را به شیشه آشپزخانه چسبانده بود که متوجه نگاه چمچک شد که او را دیده و برای او لبخند می‌زد.

چمچک رو به گوشت‌های گوسفندی تکه تکه شده کرد و گفت: برین توی تیانچه کنار تیان تا شما هم با مقداری پیاز ۴ تکه شده، دارچین نمک و فلفل سیاه حساسی بپزین، پاروی چوبی توچرا و ایسادی مگه نمی‌بینی مهمان داریم!؟

سارا به همراه خانواده که به کرمانشاه رسیدند، در همان ورودی شهر آدرس یکی از موب‌هایی را گرفتند که خوابگاه مجهزی داشت.

بعد از ظهر به محض ورود، سارا و سام از خستگی راه خوابشان برد. آفتاب آرام آرام داشت غروب می‌کرد که سارا متوجه سر و صدایی شد، صدا از آشپزخانه موب می‌آمد، رفت و از پشت پنجره، آشپزخانه را نگاه کرد و با تعجب دید که ظروف آشپزخانه با هم صحبت و کار می‌کنند.



در همان حال پاروی چوبی کوچک به، هم زدن مخلوط به صورت ضربه‌ای از این سمت تیان به آن سمت دیگر ادامه داد تا حسابی بافت گوشت و گندم با هم یکی شد. صبح که شد حلیم کرمانشاهی آماده شد، پدربزرگ سارا جلوی آشپزخانه آمد و چند کاسه حلیم که با مقداری دارچین و روغن حیوانی تزیین و طعم‌دار شده بود را گرفت. وقتی سارا از خواب بیدار شد و حلیم را دید به این فکر می‌کرد که دیشب خواب دیده یا واقعاً رفته و از پشت شیشه داخل آشپزخانه را دید زده است.



نویسنده: عبدالله مرادی
تصویرگر: الهام پورنظر

برو گندم‌های در حال پخته شدن را هم بزن و بکوب که حسابی له بشن. چمچک رفت روی سر تیانچه ناخنکی به گوشت‌ها زد و گفت: خوبه دیگه حسابی پختین بیاین بیرون که با کمک چنگال ریش ریشتان کنیم. سارا کمی جابجا شد تا بهتر به وسایل آشپزخانه نگاه کند و پیش خودش گفت: مگه میشه بدون حضور آشپز وسایل آشپزخانه خودشان غذا درست کنن؟ صدای چمچک که دوباره بلند شد سارا دوباره متوجه آشپزخانه شد اوهم کنجکاو بود ببیند وسایل آشپزخانه می‌خواهند چه غذایی بپزند. چمچک به گوشت‌ها دستور داد بروند کنار گندم‌های پخته و له شده، و خودش مخلوط گندم و گوشت را داخل تیان ریخته روی شعله ملایم گذاشت.



نقشه گردشگری مذهبی شهر کرمانشاه

امامزاده ابراهیم طاق بستان

امامزاده ابراهیم(ع) از بناهای مذهبی استانبان کرمانشاه است که در منطقه سیاحتی و زیبای طاقبستانتان و در ۹ کیلومتری مرکز شهر کرمانشاه قرار دارد. بنای این امامزاده به بنای فرهنگی - تاریخی طاقبستانتان نزدیک است و به عنوان یک بخش فرهنگی محسوب می شود و دارای یک حیاط، صحن ورودی و بارگاهی همراه با ضریح است.

تکیه بیگلربیگی

تکیه بیگلربیگی یا عمارت فرارش باشی تکیه ای است در بافت کهن شهر کرمانشاه در خیابان مدرس، این بنا در محله قدیمی فیض آباد و در کوچه بیگلربیگی مقابل کوچه صارم الدوله واقع شده است.

مسجد عمادالدوله

مسجد عمادالدوله یکی از مهم ترین جاهای دیدنی کرمانشاه به حساب می آید که در دل تاریکه بازار واقع شده است. این مسجد تاریخی که در اواخر قرن ۱۳ هجری قمری در دوره قاجار احداث شد، فاقد گنبد و گلدسته است و یک برج ساعت با ارتفاع ۱۱ متر دارد. مهم ترین بخش این مسجد، «قاپی شاه نجف» است؛ دری که از حرم امام علی(ع) به کرمانشاه آمد و در مسجد نصب شد.

تکیه معاون الملک

تکیه معاون الملک سال ۱۲۸۱ هجری شمسی یعنی ۱۲۱ سال پیش در شهر کرمانشاه، توسط حسین خان معین الرعا یا بنا و سپس به همت حسن خان معین الملک تکمیل شد. این مجموعه از سه بخش اصلی حسینی، زینبیه و عباسیه تشکیل شده و کاشی کاری زیبای آن در جهان بی همتا است.

شهدای گمنام پارک کوهستان

پارک کوهستان از سال ۱۳۸۰ میزبان پنج شهید گمنام است و این یادمان اکنون زیارتگاه زائرین، مسافران و اهالی شهر کرمانشاه است.

سیده فاطمه

این بقعه یکی از زیارتگاه های قابل احترام مردم کرمانشاه به ویژه بانوان است. برخی معتقدند که سیده فاطمه دختر امام موسی کاظم(علیه السلام) و جزء فواطم اربعه است. این بقعه در میدان آزادی کرمانشاه واقع است.

مسجد جامع

مسجد جامع کرمانشاه یکی از آثار تاریخی دوره ی زندیه است. این مسجد در خیابان مدرس کرمانشاه نرسیده به خیابان نواب قرار دارد. بانی این مسجد علی خان زنگنه است که در زمان حکومت علی مرادخان زند یعنی در سال ۱۱۹۶ هجری قمری این مسجد را ساخته است.

مسجد حاج شهبازخان

مسجد حاج شهبازخان کرمانشاه در بافت قدیم شهر کرمانشاه در خیابان مدرس قرار گرفته است. مسجد حاج شهبازخان کرمانشاه دارای شبستانی بزرگ است که دوازده ستون سنگی یکپارچه در آن قرار دارد و طاق های شبستان بر آن استوارند.





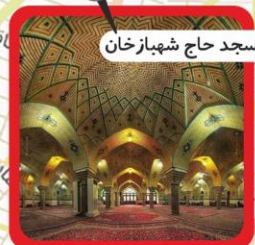
تکیه ییگریگی



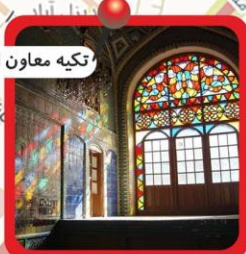
مسجد عمادالدوله



مسجد جامع



مسجد حاج شهبازخان



تکیه معاون الملک



سازمان فرهنگ، ارتباطی و ورزشی شهرداری کرمانشاه

کرمانشاه، بلوار

چله

دهنگ حسه ين حسه ين تيند
چلی تمام حسه ينه
همه نایمه یل خه مینن
گشست هی کوتنه سینه

جاده گان پر وه پر وه
له خادمه یل مه ولا
پاکبانه یل هی خزمه ت کهن
ته نیا له عشق آقا

هه رسال له هه ر دیاریگ
گشست چن ترا که ره لا
مه و کبیل نه و که ری کهن
تا ده رس حن آقا

حسه ين عه زیز گشستی
خزمه تچیلی فره س
که ورا و منال گه رد یه ک
تالای خر دهن دهس وه دهس

«چهلهم»

صدای حسین حسین می آید
چهلهم امام حسین است
همه انسانها غمگین هستند
همه به سینه می زنند

جاده پر شده
از خدمتگزاران مولا (امام حسین ع))
پاکبانها هم خدمت گزاری می کنند
تنها به عشق آقا

هرسال از هر شهری
همه به کربلا می روند
موکب ها نوکری می کنند
تا جلوی صحن آقا

حسین عزیز همه است
و خدمتگزارانش زیاد هستند
بزرگها و بچه ها همه باهم
پرچم عزاداری او را می چرخانند

شاعر: زهره پناهی
تصویرگر: الهام پورنظر





سازمان فرهنگ، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه



سلام مسافر کوچولو!
خاطره ای که از شهر کرمانشاه در ایام اربعین داری
رو اینجا بنویس و برای ما ارسال کن.

A large white area with a light blue border, containing horizontal dotted lines for writing a story or memory.



اینجا هم نقاشی بکش و برای ما ارسال کن.



سازمان فرهنگ و ارتباطات و روزی شهرداری کرمانشاه

شهرن

اربعین نزدیک بود. مامان لباسی مشکی برایم دوخت که روی آن نوشته شده بود یا حسین (ع). فردای آن روز، بابا قمقه‌ای از آب پر کرد و یک لیوان از آشپزخانه برداشت و داخل کوله پشتی من گذاشت. برای پیاده‌روی روز اربعین از خانه بیرون زدیم. هیجان زده بودم. خیابان پر بود از آدم‌های سیاهپوش که همراه خانواده مسیری مشخص را پیاده می‌رفتند و یا حسین (ع) می‌گفتند.

کمی جلوتر جمعیتی ایستاده بودند. انگار انتظار چیزی را می‌کشیدند. بابا لیوانم را از کوله پشتی بیرون آورد و داخل جمعیت شد. لحظه‌ای بعد لیوان پر بود از شربت نذری طلایی رنگی که عطر و بوی خیلی خوبی داشت. حسابی خسته شده بودم.



کنار جدول خیابان نشستم و مشغول خوردن شربت شیرین و خنک بودم که متوجه پسر بچه‌ای شدم که کنارم نشسته بود و لیوان شفاف پلاستیکی در دست داشت.

او بعد از خوردن شربت آن را مچاله کرد و روی زمین انداخت. مامان خم شد و لیوان را داخل سطل زباله انداخت. با تعجب از مامان پرسیدم: «چرا اون رواز روی زمین برداشتی»!

مامان گفت: «پسر گلم رها کردن زباله روی زمین کار درستی نیست. این زباله‌ها محیط شهر رو آلوده و زشت میکنند و به موجودات زنده آسیب میزنن و اینکه آقای مامور شهرداری باید تا صبح زحمت بکشه و تمام این زباله‌ها رواز روی زمین و جوی آب جمع کنه تا فردای اون روز، شهر برای مردم پاکیزه و زیبا باشه.»
بابا لبخندی زد و گفت: «حالا فهمیدی چرا توی کوله پشتی برات لیوان گذاشتم»!

نویسنده: پریسا وکیلی
تصویرگر: سارا جمادی



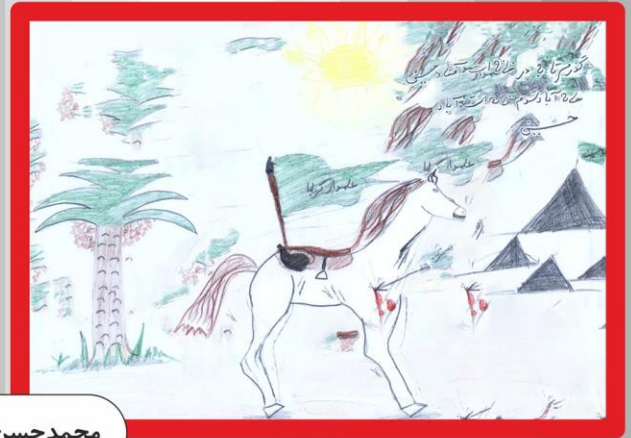
سازمان فرهنگ، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه



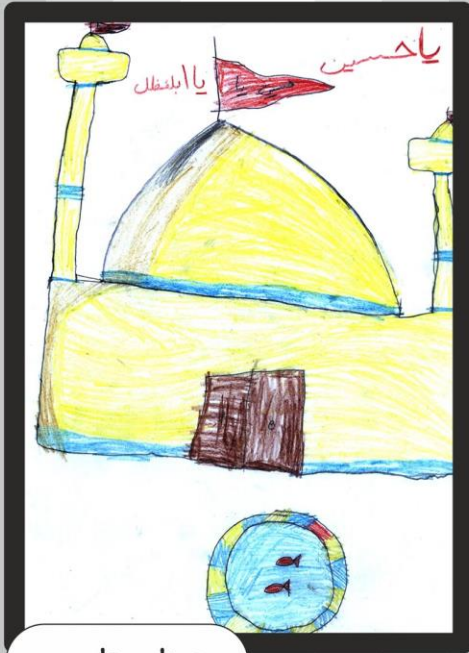
نقاشی های شما



محمد مهدی شش یگانی



محمد حسن رضایی



محمد امیر علی پور

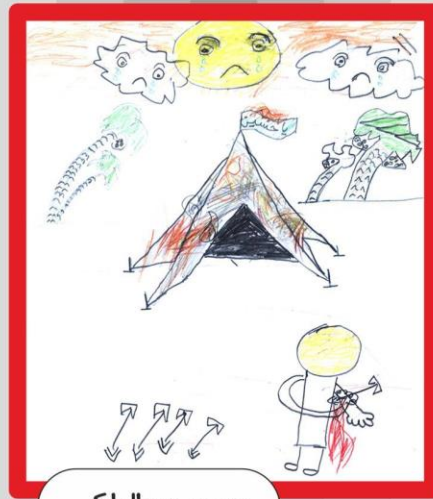


غزل ناصری بینا



امیر حسین اجاقی

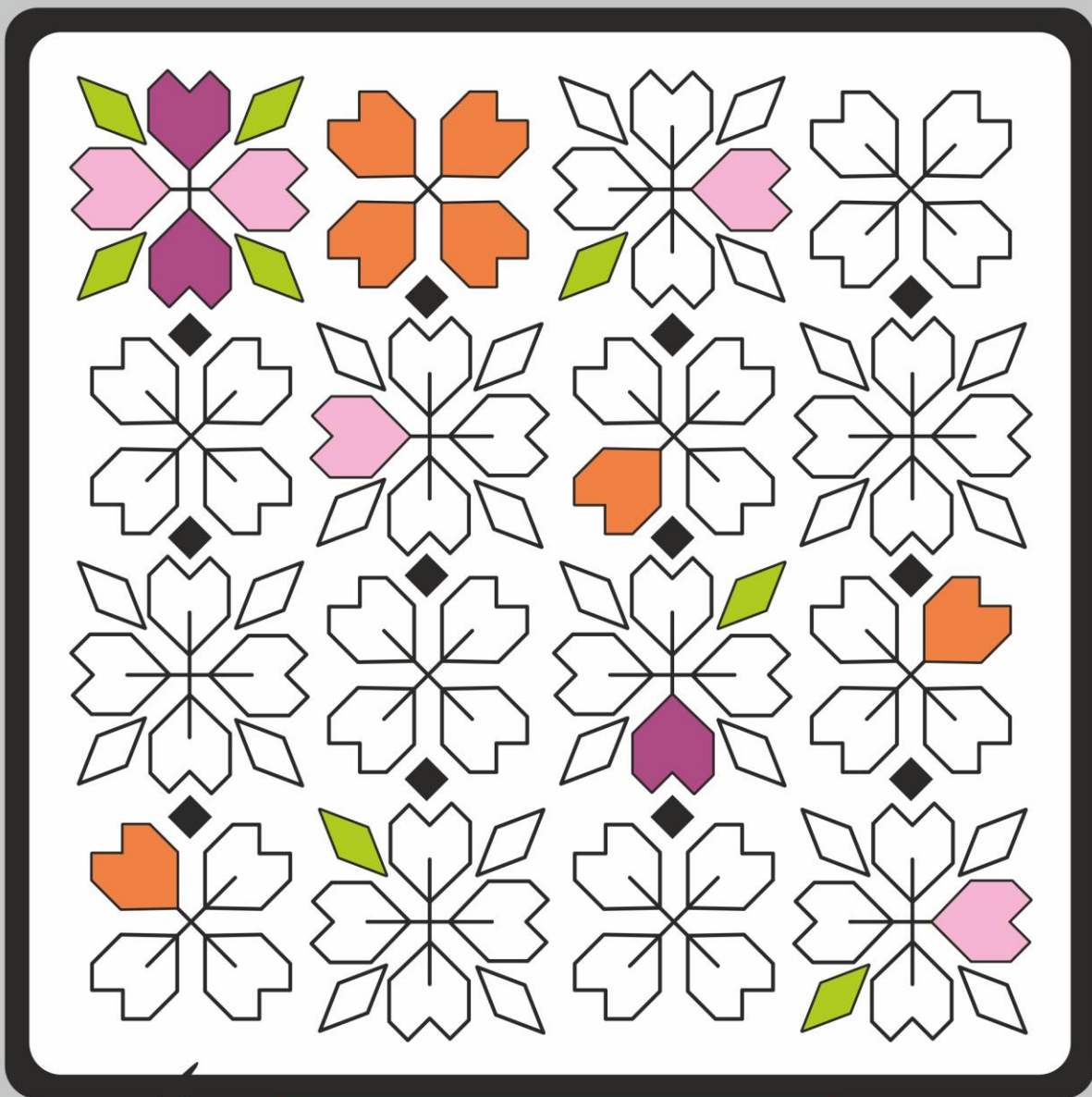




فاطمہ مرادی



سازمان فرهنگ، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه



سلام بچه های گلم!
 طرح هندسی رو طبق الگو رنگ آمیزی کن.



وسایل ضروری کوله پشتی در پیاده روی اربعین

کیسه خواب سبک

گذرنامه و بلیط سفر

بطری آب آشامیدنی

پماد مخصوص سوختگی
و گرفتگی عضلات

داروهای تخصصی
و ضروری هر مسافر

حوله، مسواک، لیوان،
کلاه آفتاب گیر،
دستمال کاغذی

مقداری خشکبار

کفش مناسب
و یک جفت دمپایی



نگاتی برای پیاده روی اربعین همراه با کودکان



۱

صبر و تحمل خود را بالا ببرید و به طاقت و توان بچه ها هم دقت کنید

۲

اگر فرزندان بیماری یا حساسیت خاصی دارد، با نظر پزشک برای این سفر اقدام کنید

۳

لازم نیست همه ی مسیرها را پیاده روی کنید. حتما بخشی از مسیر را با سواری بروید

۴

سفر برای کودک باید لذت بخش باشد. با کسانی بروید که فرزندان هم بازی داشته باشد

۵

مراقب بهداشت کودکان در سفر باشید و حتما صابون و اسپری ضد عفونی کننده همراه خود ببرید

۶

سعی کنید در معابر و مسیرهای شلوغ کمتر تردد کنید

۷

داروهای مخصوص بچه ها را همراه خود داشته باشید

۸

اگر فرزندان زیر شش سال دارد، کالسکه ی سبک و تاشو با خود ببرید

۹

شب ها که کودکان خواب هستند و هوا خنک است، حرکت کنید و روزها در موکب ها بمانید

۱۰

لباس های کودک باید نخی، نازک و گشاد باشند

۱۱

سفر را در صورت امکان کوتاه کنید. سفر طولانی در شرایط گرما به کودکان آسیب وارد می کند

۱۲

اسباب بازی سبک و دفتر و مداد رنگی همراه خود داشته باشید تا کودکان از این سفر بیشتر لذت ببرند

